

سناریوی ایجاد امنیت در فضا های شهری با استفاده از روش CPTED (با تاکید بر توانمند سازی امنیتی شهرها)

معصومه باقری^۱، ابوالفضل زمانی^۲، محسن زمانی^۳

^۱ کارشناس ارشد اقلیم شناسی در برنامه ریزی محیطی، دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد علوم و تحقیقات تهران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران
^۳ دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی گرایش سازمان سیاسی فضا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

امنیت از مهم ترین مولفه های شهری در مباحث سیاسی شهر بوده و بسیاری از مسائل سیاسی شهر تحت تاثیر فرایندهای تامین امنیت تحقق پذیر می گردند. در واقع "امنیت" در فضاهای شهری یکی از مهم ترین شاخص های کیفیت زندگی و کیفیت فضا محسوب می شود و به رغم اینکه مساله امنیت در هر جامعه یک مقوله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، در تامین این نیاز نمی بایست از نقش و تاثیر شهرسازی و عوامل محیطی غافل شد. از این رو یکی از مباحث کاربردی برنامه ریزی شهری در حوزه سیاست شهر را می توان توجه به استراتژی های طراحی شهری در جهت مقابله با جرم و ناامنی یا نظریه CPTED را نام برد. تئوری CPTED که مخفف *crime prevention through environmental design* است، به معنای "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" تلاش می کند تا با استفاده از روش های طراحی مناسب فضا های زندگی شهروندان را در ابعاد خرد تا کلان از واحد های مسکونی و تجاری تا ملاحظات طراحی فضاهای عمومی باز و بسته ی شهری ایمن سازی نموده و احتمال بروز ناامنی و ارتکاب به جرایم را به حداقل برساند. با استفاده از این نظریه می توان به جای کاربرد تکنیک های صلبی مقابله با ناامنی در فضاهای شهری همچون استفاده از سیستم های پلیسی به روش های ایجابی مبتنی بر طراحی تخصصی پرداخته و میزان ارتکاب به جرایم را به طور نامحسوس به حداقل ممکن رساند. رویکرد CPTED در طراحی و برنامه ریزی محیط و منظر شهری، در تلاش است تا با رعایت استانداردهای ویژه ای در ساخت و سیمای محیط کالبدی، به ارتقا ایمنی در شهردست یافته و از این راه به احساس امنیت ساکنین شهر کمک نماید. ایجاد امنیت از طریق طراحی محیطی (CPTED) برای اولین بار توسط شهر ساز معروف آمریکایی "جین جیکوبز" عنوان شد و سپس با ایده های مربوط به طراحی فضاهای قابل دفاع و شیوه های برخورد طراحی فضاها با ایده پیشگیری از جرم در آنها گسترش یافت. استراتژی CPTED در ارتباط با طراحی در جهت کاهش جرم شامل اصولی بنیادین است که عبارتند از: تعیین قلمرو، افزایش امکان نظارت و مراقبت طبیعی، روشنایی، منظرسازی، امنیت فیزیکی، کنترل دسترسی، پشتیبانی فعالیت، نگه داری که بدون دانستن آن ها نمی توان از این تکنیک استفاده نمود لذا جهت ادراک صحیح از روش کاربردی این تکنیک باید با این اصول و روش اعمال آن در کشور های دیگر آشنا شد. در مقاله حاضر به ویژگی های و روش های کاربردی آن در ایجاد امنیت شهری پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: امنیت شهری، طراحی محیطی، روش CPTED، فضا های شهری، پیشگیری از جرم، محیط مقابله با جرم

۱- مقدمه

متخصصین نظریه CPTED بر این باور است که مجرمان، ارتکاب جرم را انتخاب می کنند و در واقع "ارتکاب جرائم معلول فرصت های جرم خیزی است"، در نتیجه "راه حل مناسب را کم کردن فرصت های مجرمانه می داند." نظریه CPTED را می توان این گونه تعریف کرد:

طراحی مناسب و کاربرد مؤثر عناصر محیطی از ارتکاب به جرایم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه می نماید (Crowe, 2000:46). به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان یکی از رویکردهای مطرح در شهرسازی برای ارتقا امنیت در فضاهای شهری، رویکرد CPTED می باشد (Cozens, 2008: ۶).

رویکرد CPTED در طراحی و برنامه ریزی محیط و منظر شهری، در تلاش است تا با رعایت استانداردهای ویژه ای در ساخت و سیمای محیط کالبدی، به ارتقا ایمنی در شهر و شهروندان از آن راه احساس امنیت ساکنین به آنان کمک نماید. ایجاد امنیت از طریق طراحی محیطی (CPTED) برای اولین بار توسط شهر ساز معروف آمریکایی "جین جیکوبز" عنوان شد و سپس با ایده های مربوط به طراحی فضاهای قابل دفاع و شیوه های برخورد طراحی فضاها با ایده پیشگیری از جرم در آنها گسترش یافت. مطالعات نشان می دهد انتخاب روش های کنترل غیر طراحی مثل استفاده از سیستم مدار بسته، حضور نیروهای امنیتی و سایر روش های مشابه اگر چه موجب بیرون راندن گروه های خاص یا رفتارهای ناهنجار از فضاهای شهری می شود ولی این امر بر استفاده عمومی تاثیر سوء داشته و ناراضیاتی عمومی را نسبت به استفاده از این فضاها افزایش می دهد. بطور عمده جرایم در شهرها به چهار دسته اصلی تقسیم می شوند:

جرایم عادی: که انحراف از ویژگی های جامعه است که در همه جوامع وجود دارد. مجرمیت امر جامع وی است. جرم پاره ای: رفتار فرد در پاره ای از موارد خلاف رفتارهای معمول جامعه و در بقیه موارد تابع ضوابط حاکم بر جامعه است. جرم جمعی: مربوط به معیارها و ضوابط خرده فرهنگ های ویژه ای می باشد که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و افراد با کسب این ضوابط عضوی از این جامعه می شوند.

جرم آسیبی: در مواردی ظرفیت تعلیماتی و کنترل جامعه از حدی تجاوز می کند. مانند شهرهای بزرگ و علایم بیماری بصورت نادیده گرفتن قوانین و قواعد در قالب انواع جرایم پدید می آید.

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشأ پدیده جرم تلقی می نمایند. به نظر این دانشمندان، جرم پدیده ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عامل جامعه و محیط سبب بروز جنایت می گردد (شامبیاتی، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۹).

دکتر لاکاسانی (۱۸۴۳-۱۹۲۴م) رئیس مکتب محیط اجتماعی، تنها عامل محیطی و فرهنگی را موجب بروز جرم معرفی نموده است. به نظر این دانشمند، همان گونه که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می یابد، پدیده جرم نیز در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده می شود. از نظر دکتر لاکاسانی، منشأ پدیده جرم تنها عوامل زیستی - روانی است. مارکی یکی از متخصصین دیگر مکتب محیط اجتماعی با دیدگاه سوسیالیستی نیز "پدیده جرم را ناشی از وضعیت ناهنجار اقتصادی" می داند. بنابر نظر محققان جرم شناسی، در بروز پدیده جرم عوامل پیچیده زیستی - روانی - اجتماعی دخالت دارند (عبقری، ۱۳۸۰).

به نظر جامعه شناس معروف دورکیم، "بزهکاری و انحراف یک واقعیت اجتماعی است، که در واقع، تعیین کننده مرزهای وجدان اجتماعی و اخلاق جمعی است؛" بدین ترتیب به عقیده ی دورکیم، "جنایت به وجدان جمعی بستگی دارد و با تحوّل وجدان اجتماعی مفهوم بزهکاری نیز دگرگون می شود."

نظریات اخیر بر این باور است که وقوع جرم و بزهکاری با محیط وقوع و شرایط آن بسیار مرتبط است و از این رو CPTED به دنبال ارائه راه حل جدیدی برای مقابله با بروز جرایم و کج رفتاری از طریق تغییر در بستر محیطی بروز و ارتکاب جرم است دورکیم، انحرافات و کج رفتاری ها را در جامعه به سه دسته تقسیم می نماید:

- ۱- کج رفتاری زیستی و روانی : که بیانگر نوعی انحراف در جوامعی است که یک جامعه یا اجتماع کامل و بی عیب است. به عبارتی، این نوع کج رفتاری و انحرافات را می توان به عنوان " کردار فرد بیمار در جامعه سالم دانست." در این انحرافات جامعه سالم و فرد بیمار تلقی می شود .
- ۲- کج رفتاری انقلابی : که برای تغییر وضع نابسامان اجتماعی به وجود می آید؛ نظیر رفتار سقراط که برای دگرگونی اخلاق مردم آتن بپاخاست و سرانجام جام شوکران را نوشید. بنابراین، "کج رفتاری انقلابی، بیانگر انحراف فرد سالم در جامعه بیمار است" لذا می توان گفت در این نوع از انحرافات "جامعه ناسالم و بیمار و فرد سالم تلقی می شود"
- ۳- کج رفتاری دو سویه : که حاکی از رفتار افرادی است که هم تربیت اجتماعی مناسب نیافته اند و هم در جامعه بیمار زندگی می کنند. این نوع کج رفتاری یا از خودپرستی یا از بی هنجاری ناشی می شود که در اصطلاح آن را «کج رفتاری خودخواهانه» و «کج رفتاری بی هنجاری» می نامند. که عمده ی تاکید مدل های طراحی پیشگیری از جرم در راستای اصلاح این کج رفتاری ها می باشد.و به دنبال این پاسخ است که : " چگونه ممکن است که فضاهای شهری به گونه ای سامان داده شود که رفتارهای ناهنجار کاهش یابد؟"

می توان با طراحی مناسب از ارتکاب به جرایم در اماکن خصوصی و عمومی شهری و سکونتگاههای شهروندان و محیط های انسان ساخت پیشگیری نمود مدافعین این نظریه بر این باور هستند که " ارتکاب جرائم معلول فرصت های جرم خیزی است، " در نتیجه راه حل مناسب را کم کردن فرصت های مجرمانه از طریق طراحی تخصصی فرصت جرم امکان پذیر است .خانم جیکوبز جزء مخالفین برخورد مستقیم با جرایم و به ویژه راهکار های پلیسی مقابله با جرم بوده و معتقد به از بین بردن فرصت های ارتکاب به جرم از طریق روش های کاربردی طراحی در فضاهای شهری است جین جیکوبز اولین کسی بود که نخستین جرعه های مربوط به چگونگی ارتباط با شرایط محیطی را با پیشگیری از جرم بیان نمود (Jeffery and Zaham,1993:131-2).

این نظریه هدف خود را بر تغییر محیط ساخته شده» و جرایم شایع در مناطق مسکونی مانند، دیوارنویسی، تخریب و سرقت قرار می دهد. در این راستا محیط یا به تعبیری نحوی طراحی می تواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند و بدین طریق فرصت های مجرمانه را در فضاهای شهری کاهش خواهد داد (Cozens and et.al, 2005:335). نرخ بالای رشد جمعیت و جوان بودن جامعه ، وجود تنش های اجتماعی ، مشکلات سنگین اقتصادی، کاهش درآمد، شیوع بیکاری و از همه مهمتر روحیه عدم انگیزه در جوانان و افسردگی و بعضاً ناامیدی در جامعه به ویژه در اقصای آسیب پذیر اقتصادی - اجتماعی عامل بروز بسیاری از نا امنی های اجتماعی و کج رفتاری های شهروندان در کشور ماست ، که این امر سبب گسترش ناهنجاری های اجتماعی در فضاهای شهری می شود. بسیاری از این ناهنجاری ها با تئوری های آسیب شناسی اجتماعی همچون تئوری آنومی اجتماعی مورتون به دلیل بروز اختلافات طبقاتی روز افزون در جامعه ایرانی قابل ادراک و تحلیل می باشد ، زیرا بسیاری از نظریه پردازان معتقدند : " این مجرم نیست که بیمار است بلکه بیمار کل جامعه است در واقع وقتی جامعه نتواند امکانات موجود خود را (مادی و معنوی) بطور متعادل بین اعضاء تقسیم کند و هر کس را سهمی دهد، تناقضاتی در جامعه ایجاد می شود که منجر به ظهور بیماری جامعه به صورت جرم می شود .

در این راستا توجه به استراتژی اجرای CPTED در فضای شهری می تواند راهگشای هدایت مدیران شهری و نیروهای امنیتی در جهت کاهش تعداد جرایم باشد .

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است و از نوع تحقیقات و پژوهش های کاربردی محسوب میشود. در روش تحقیق تحلیلی به طور کلی سعی بر آن است که با توجه به رابطه موجود بین پدیده ها (رابطه علت و معلولی) به بررسی و

تحلیل آنها پرداخته شود و از این طریق مشکل یا علت کشف گردد که در این طرح کاربرد دارد. اطلاعات موجود در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای بدست آمده و تکمیل شده است.

۳- یافته های تحقیق

تحلیل رفتاری - محیطی پیشگیری از وقوع جرایم

میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری جرم و مجرم در دو مقوله ی رفتار و محیط قابل تحلیل و بررسی می باشد که این مفهوم در مباحث جغرافیای رفتاری به طور خاص مورد بررسی قرار می گیرد ، در قالب تئوری های رفتارگرایی ، محیط ها به سه دسته اصلی تقسیم می شوند :

(۱) محیط های تعیین کننده

(۲) محیط های امکان دهنده

(۳) محیط های احتمال دهنده

در دیدگاه تعیین کنندگی محیط محیط نقش تعیین کننده ای در رفتار، ادراک و احساس انسان دارد. در این دیدگاه هر محرکی پاسخ خاص را ایجاد می کند. محیط در چنین دیدگاهی عمدتاً به معنای شرایط اقلیمی و جغرافیایی فضای پیرامون است، قابل تعمیم به محیط مصنوع و محیط اجتماعی نیز می باشد.

در دیدگاه امکان دهنده محیط محیط فیزیکی را بستری می داند که امکانات و محدودیت هایی که برای رفتار به وجود می آورد اما محیط تعیین کننده رفتار نیست بلکه صرفاً امکان بروز برخی دیگر از رفتارها به وجود می آورد. در این دیدگاه محیط است که بر رفتار انسان تأثیر می گذارد.

در دیدگاه احتمال دهنده گمی ضمن آنکه مردم می توانند رفتارهای مختلفی را در یک محیط داشته باشند و به انگیزه های فردی اهمیت می دهد، ویژگی های طراحی و عوامل محیط مصنوعی را در احتمال بروز رفتارهای خاص مهم می داند. (رجبی ۱۳۸۶)

در جرم شناسی، پیشگیری عبارت است از: استفاده از فنون گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری یا جرم . از نظر علمی می توان گفت: مراد از پیشگیری هر فعالیت، سیاست استی که هدف آن تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جرایم از راه غیر ممکن الوقوع ساختن یا دشوار کردن احتمال وقوع آنهاست (شامبیاتی، ، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۹).

پیشگیری غیر کیفری در معنای علمی که در "جرم شناسی پیشگیرانه" به عنوان شاخه ای از جرم شناسی کاربردی و جغرافیای جرم در سالیان اخیر سر لوحه ی کار بسیاری از متخصصین امنیتی به ویژه در شهر ها می باشد سه محور(شخصیت، اوضاع ما قبل جنایی و روند فعلیت یافتن جرم) را در سطوح مختلف پیشگیری قابل تقسیم می دانند، زیرا که علی الاصول وقوع جرم نمی تواند خارج از آن سه محور باشد.

با پذیرش محورهای یاد شده انواع پیشگیری را می توان به دسته تقسیم نمود:

دسته اول : تدابیر پیشگیری عمومی(پیشگیری اجتماعی) در جهت اصلاح و تربیت کلیه افراد جامعه که می توانند بزهکاران بالقوه باشند و تدابیر خصوصی برای افرادی که حالت خطرناک و روحیه ضد اجتماعی و ناسازگاری دارند متمرکز می شود، در چنین رویکردی تمرکز بر از بین بردن زمینه ها و علل وقوع جرم (پیشگیری اجتماعی) (پیشگیری اولیه و ثانویه).

دسته دوم : فعالیتها در راستای از بین بردن وضعیت های پیش جنایی یا ماقبل جنایی صورت می گیرد و در آن تدابیری چون جلوگیری از تظاهر به فساد، منع حمل و نقل و خرید و فروش اسلحه یا مواد مخدر برای محور زمینه های مساعد جرم را اتخاذ می گردد، در چنین رویکردی تمرکز بر کاهش فرصت ها و امکان ارتکاب به جرم است. (پیشگیری وضعی)،

دسته سوم : فعالیتها در واقع برای خنثی سازی بزهکاری در مرحله فعلیت یافتن عمل مجرمانه به عنوان مثال حضور پلیس یا کنترل های مخفیانه صورت می گیرد

با توجه به رویکرد های متفاوت انواع پیشگیری تاثیرگذاری تیپ های مختلف پیشگیری نیز تبعا " یکسان نیست برخی از انواع پیشگیری زمینه و علل وقوع جرم را از بین می برد (پیشگیری اجتماعی) و دیگری فرصت و امکان آن را کاهش می دهد یا دشوار می سازد. به عنوان مثال پیشگیری وضعی، هدفش از بین بردن و کاهش فرصتهای وقوع جرایم می باشد. البته هرگز نباید، مردود دانستن جزمیت طراحی را از نظر دور داشت زیرا علیرغم تأکیدی که بر ارتباط متقابل طراحی محیط فیزیکی با بروز جرایم وجود دارد هرگز نباید تصور مرد که در تعیین روابط اجتماعی طراحی محیطی تنها عامل موثر کلیدی نبوده، بلکه نقش تسهیل کننده و یا محدود کننده را ایفا می کند.

امروزه متخصصان امنیت، از فنون و تدابیر مختلف وضعی که در صورت به کارگیری مناسب، موجب کاهش بزهکاری می شود، استفاده می کنند. در خصوص تکنیکهای پیشگیری چند حالت می توان متصور شد: حالت اول، مجموعه ای از تدابیر عینی و تکنیکهای بالقوه مؤثر ناظر بر ایجاد مانع در راه بزهکاری را مورد توجه قرار می دهد.

در حالت دوم و به منظور کارایی بیشتر، ترکیب تدابیر پیشگیرانه در اولویت قرار می گیرد.

حالت سوم، مربوط به زمانی است که یک متخصص پیشگیری، به دنبال یافتن یک راه حل پیشگیرانه مناسب نسبت به یک مسئله خاص است. اما باید خاطر نشان ساخت که از یک سو، همهء روشها، مناسب نمی باشد. از سوی دیگر، اگرچه برخی از روشها مناسب است، لیکن هزینه اجرای آن غیر قابل تأمین می باشد (WI1KINS, 1967:23-30).

نکته بعدی این است که برخی از روشها، تأثیر نامطلوبی نسبت به برخی مجرمان بالقوه دارد و حتی ممکن است موجب توسعه احساس ناامنی مصنوعی در بین مردم گردد. ضمن اینکه برخی از فنون، به جای کاهش بزهکاری، موجب انتقال آن در مکان و زمان، و یا حتی تغییر ماهیت جرم شود (GRANDJEAN, 1992:200). در نهایت اینکه برخی از تکنیکها می تواند موجب محدودیت در آزادی افراد شود.

بنابراین با وجود تاثیر گذاری غیریکنواخت و متفاوت، تیپ های پیشگیری، برنامه ریزی، تدابیر، اقدامات و فعالیتهای این علم طیف کلان و گسترده ای دارد و لذا نمی توان انتظار داشت صرفا از یک مسیر به تحقق کاهش جرم دست یافت ولی می توان به زمینه های کاهش آن از طروق مختلف از جمله تکنیک های طراحی محیطی در جهت پیشگیری از جرم دست یافت.

استراتژی عملکردی CPTED

تجربیات نشان می دهد که تصمیم گیری برای انجام دادن یا ندادن کار خلاف بیشتر تحت تأثیر حس پذیرفتن ریسک به دام افتادن می باشد تا حس آسودگی ناشی از آزادی و عدم نگرانی از گرفتار شدن. استراتژی CPTED در ارتباط با طراحی در جهت کاهش جرم شامل موارد زیر است:

- 1) تعیین قلمرو (territoriality)
- 2) افزایش امکان نظارت و مراقبت طبیعی (Natural surveillance)
- 3) روشنایی (lighting)
- 4) منظرسازی (land scaping)
- 5) امنیت فیزیکی (physical security)
- 6) کنترل دسترسی (access control)
- 7) پشتیبانی فعالیت (activity support)
- 8) نگه داری (maintenance)

❖ تعیین قلمرو قلمروگرایی (Territoriality)

تقویت قلمروها از طریق افزایش تفاوت میان فضاها و بهبود ارتباط آنها، کنترل جامعه را مسیرمی سازد. جدایی قلمروها از طریق جدا کننده ها مانند: حصارها، سنگفرش، علائم، نورپردازی و منظرسازی امکان پذیر است و این عناصر می تواند فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی را از هم متمایز ساخته و کنترل کنند.

نمونه قلمروگرایی را می توان به شرح ذیل مطرح نمود: ممانعت از ورود افراد ناشناس و متفرقه به مجتمع های مسکونی اداری و... توسط بخش های نگهبانی، قرار دادن موانع در ورودی فضاهای مختلف شهری، نصب موانع برای جلوگیری از ورود وسیله نقلیه حصارکشی زمین یا حیاط ها یا مسیر های مختلف، نصب پلاک یا تابلو، نصب سیستم های مدار بسته و مانیتورینگ فضاهای عمومی و خصوصی شهری (آلمن، ۱۳۸۲:۱۲۷).

❖ نظارت یا مراقبت طبیعی (Natural surveillance)

در زمینه نظارت یا مراقبت که می توان آن را بخشی از محافظت بالقوه محله یا مجموعه های مسکونی دانست، اگر مجرم تصور کند در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت اگر چه به واقع نیز این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد. (Bennett, 1986:55).

نظارت بر سه گونه است:

غیر رسمی یا طبیعی (از طریق پنجره ها)،

رسمی یا سازمان یافته (از طریق نیروهای حفاظتی)

مکانیکی (روشنایی و دوربین مدار بسته).

در زمینه نظارت طبیعی می توان استراتژی های طراحی را به صورت زیر برشمرد:

۱- ساختمان ها را به گونه ای طراحی کنید که درهای خارجی در خیابان یا جانب همسایه ها قابل رؤیت باشد.

۲- در چهار طرف ساختمان، پنجره نصب کنید تا میدان دید مناسب ایجاد شود.

۳- فضای پارکینگ را از محل درها و پنجره قابل رؤیت کنید.

۴- طراحی باید به گونه ای باشد که نظارت اتفاقی و تصادفی را افزایش دهد.

فضای بازی کودکان به نحوی طراحی شود که از ساختمان های مجاور قابل دیدن باشند (Hudson and Partners, 2004:15). در مجتمع های مسکونی بهتر است فضایی برای جمع شدن افراد طراحی شود تا علاوه بر تقویت تعامل اجتماعی و حس مالکیت، نیز افزایش یابد (قورچی بیگی، ۱۳۸۶:۱۶۰).

❖ روشنایی (lighting)

روشنایی تأثیر قابل انکاری در پیگیری از جرم دارد. روشنایی دو کار انجام می دهد:

نخست این که به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می کند که واضح تر ببینند و دیده شوند.

دوم این که، مردم را تشویق به حضور بیش تر در محیط می کند، زیرا رؤیت پذیری بیش تر موجب احساس امنیت بیش تر و افزایش چشم های ناظر بر خیابان می شود (Cozens and et.al, 2005:328).

معمولاً هنگامی که فرد از فضایی تاریک وارد فضایی روشن می شود احساس امنیت می کند. علاوه بر این، روشنایی می تواند با افزایش فرصت نظارت برای افراد و بالا بردن قلمروگرایی در محله و القاء حس امنیت، علاوه بر کاهش جرم، بر ترس از جرم نیز غلبه کند.

❖ منظرسازی (landscaping)

چشم انداز عامل مهمی در جلوگیری از جرم می باشد و می تواند همانند یک طرح معماری به طور جامع مؤثر باشد. به عنوان یک حصار سمبلیک می تواند زون ها را از هم جدا کند. حصار تزئینی، سطوح گل، پوشش چمن و ... چشم اندازهایی هستند که می توانند زون ها را تفکیک کنند.

کاربرد دیگر منظر در جلوگیری از تبهکاری برانگیختن حس زیبایی است که در این صورت محیط جذاب حس غرور و مالکیت انسان را ترغیب می کند.

❖ کنترل دسترسی (Access Control)

کنترل دسترسی ها از طریق آشکار ساختن تفاوت میان دو فضای عمومی و خصوصی میزان جرم را محدود می کند. در این روش خروجی ها و ورودی ها، حصارها، نورپردازی و محوطه سازی کنترل می شود. کنترل دسترسی بر این نکته تأکید دارد که با محدود کردن دسترسی می توان فرصت ارتکاب جرم را کاهش داد. به عبارت دیگر با کم کردن ورودی مجموعه های مسکونی یا ساختمان ها به حداقل ممکن، می توان از میزان جرایم کاست. کنترل دسترسی یا ورودی ها شامل راهبردهای غیر رسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، رسمی یا سازمان یافته (مانند استخدام نگهبان یا پذیرش در ورودی ساختمان) و مکانیکی (مانند قفل ها و آیفون های تصویری) است. راهکارهای زیر می تواند در جهت بهبود کنترل دسترسی در مجموعه های مسکونی و محیط های ساخته شده مفید باشد. (Cozens and et.al, 2005:328).

❖ تصویر و نگهداری از فضا (maintenance)

تصویر و نگهداری از فضا، بر این نکته تأکید دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان و محله های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از فضا داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیش تر خواهد بود. این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره های شکسته رابطه تنگاتنگ دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته، خود نشانه ای از این است که هیچ کس نگران نیست و بنابراین شکستن پنجره های بیشتر هیچ هزینه ای ندارد (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲:۱۸۱). نگهداری نیز بر همین امر تأکید دارد. به عبارت دیگر، اگر یک مجموعه یا محله تمیز بوده، دیوارنویسی ها سریع پاک شده و هرگونه خرابی سریع تعمیر شود، این تصور در ذهن هر که ایجاد خواهد شد که این محله یا مجموعه «ملک بدون صاحب» نیست و یک تصویری مثبت ایجاد می کند.

❖ امنیت فیزیکی (physical security)

مشکل امنیت پروژه های ساختمانی این است که طراحان این سیستم ها با جرم و جنایتکار آشنا نیستند. عواقب تأسف بار این پدیده، در میزان ورود غیر مجاز جنایتکاران به واحدهای مسکونی و تجاری دیده می شود. طرح روشن فکرانه امنیت فیزیکی در موفقیت پروژه ها بسیار کمک می کند. عملکرد صحیح دفاع مسلحانه و رفع ضعف امنیتی از نقطه نظر ساختار معماری می تواند برخورد مؤثری با مشکلات اجتماعی آینده باشد. در برخی از منابع مفهومی به نام سخت کردن اهداف جرم (مشکل کردن هدف) از مشخصات اصلی امنیت فیزیکی به حساب می آید. (نجفی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷:۳۲۳).

از راهکارهایی که میتوان در این زمینه برشمرد عبارتند از:

- ۱- درهای ورودی ساختمان (مخصوصاً در مجتمع های مسکونی) بهتر است حالت ارتجاعی داشته باشند، به نحوی که در پس از باز شدن، خود به خود به طور مستقیم بسته می شود (رحمت، ۱۳۸۵:۱۶۹)
- ۲- از طریق نصب موانع فیزیکی مانند نرده، دروازه، قفل، اخطار الکترونیکی و غیره می توان سخت کردن آماج را افزایش داد.
- ۳- استفاده از پوشش های سخت و غیر قابل خراش یا قیر قابل نوشتار مثل استفاده از پوشش های نانو، سنگ های سخت و مقاوم در برابر خراش و نوشتار، رنگ های تیره و غیر قابل رنگ کردن

❖ فعالیت پشتیبانی (حمایتی) (activity support)

فعالیت پشتیبانی شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان در جهت استفاده و حضور بیشتر در فضای عمومی است، زیرا موجب افزایش نظارت و کنترل اجتماعی غیر رسمی خواهد شد. مکان یابی فضاهای گردهمایی در فضاهای عمومی شهر نیز راهی برای نظارت طبیعی، کنترل دسترسی و اقدامات حفاظتی راهی برابر ممانعت از فعالیت خلافکاران است. در این گونه مناطق، خیابان مسیری است که تبدیل به فضای نیمه عمومی می شود، اگر چه هر کس حق ورود به آن را دارد ولی در کنترل ساکنان است. وقتی مراقبت طبیعی از طریق پنجره های مشرف به خیابان تأمین شود و قابلیت انجام فعالیت هایی چون توقف

اتومبیل در جلوی خانه، حرکت پیاده در مسیرهای کوتاه، ملاقات در تقاطع خیابان ها و تعامل اجتماعی میان ساکنان بلوک مسکونی وجود داشته باشد، محیط زندگی زنده و دوست داشتنی می شود (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

۴- بحث و نتیجه گیری

پیشگیری از جرم از طریق طراحی (CPTED) در کل، نقاط اشتراک فراوانی با ایده های امنیت شهر دارد. ایجاد امنیت در مجموعه های مسکونی تنها از طریق ایجاد موانع سخت میسر نمی شود. موانع فیزیکی آشکار همان قدر که در ایجاد امنیت نقش دارند، در القاء روانی نا امنی نیز مؤثر هستند. در کل راهکار می تواند در انعطاف پذیری، تطبیق پذیری و طراحی فضاهای با عملکرد تلفیقی راه حلی برای ایجاد تنوع بیشتر و پاسخگویی این نیاز انسانی (امنیت و ایمنی) باشد. البته این رویکرد مدعی این نیست که پادزهر تمام جرایم است و می تواند به طور کلی احساس نا امنی را ریشه کن کند. بلکه این رویکرد در غالب بخشی از سیاست جامع و در کنار اجرای سایر راهبردهای پیشگیری از جرم، می تواند بخشی از امنیت را به وجود بیاورد. مطالعات نشان می دهد انتخاب روش های کنترل غیر طراحی مثل استفاده از سیستم مدار بسته، حضور نیروهای امنیتی و سایر روش های مشابه اگر چه موجب بیرون راندن گروه های خاص با رفتار های ناهنجار از فضاها عمومی شهری شود ولی این امر بر استفاده عمومی تاثیر سوء داشته و نارضایتی عمومی را نسبت به استفاده از این فضاها افزایش می دهد. کلید حل مسئله حضور گروه های مختلف مردمی در فضای عمومی شهری است و این امر ممکن نیست مگر با خلق فضاهایی که دارای خصوصیت سازگاری و انعطاف پذیری باشند. این فضاها به دلیل قابلیت بالای جذب الگوهای متفاوت و ثابت رفتاری، امکان وقوع رفتار های ناهنجار را در فضای شهری به میزان محسوسی کاهش می دهند.

نتایج کاربردی به کارگیری تکنیک CPTED نشان داده با اجرای این تکنیک موارد ذیل به وجود آمده اند:

کاهش جرایم شهری

کاهش توان جرم خیزی مناطق شهری

بهبود کیفیت زندگی

افزایش رضایتمندی شهروندان

تشویق طبقات اجتماعی به حضور در شهر

تداوم امنیت در محیط شهری

افزایش رفاه اجتماعی در محیط شهری

افزایش فعالیت های اجتماعی

افزایش فعالیت های اقتصادی

افزایش میزان همکاری محله ای و مشارکت

ارتقاء حس تعلق به مکان زندگی و ماندگاری بیشتر در محلات

منابع

۱. امیر کافی، مهدی، (۱۳۸۶)، بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن، تهران، نشریه تحقیقات علوم اجتماعی ایران شماره ۱۸۰.
۲. بحرینی، حسین. (۱۳۷۸). "تحلیل فضاهای شهری". انتشارات دانشگاه تهران.
۳. صلاحی، جاوید، (۱۳۷۶). بزهداری اطفال، انتشارات سمت.
۴. رجبی، آریتا، (۱۳۸۶). گستره جغرافیا و علوم فضایی در مطالعات رفتاری، اندیشه نامه، وزارت مسکن.

۵. رحمت، محمد رضا (۱۳۸۵). "نقش معماری و شهرسازی در پیشگیری از جرم"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۶. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۸). بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۷). ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۷. عبقری، آدینه، (۱۳۸۰)، پیشگیری از جرایم کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، تهران، دانشگاه تهران.
۸. لنگ، جان، (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری - نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی انتشارات دانشگاه تهران.
۹. نجفی ایراند ابادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷). دانشنامه جرم شناسی، چاپ اول، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. ماندل، رابرت، (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۱۱. ویلسون، جیمز و جرج کلینگ (۱۳۸۲). "نظریه پنجره های شکسته"، ترجمه محمد صدری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۴۳.

12. Brown، B. B.، Bentley، D. L. (1993)، "Residential burglars judge risk: the role of territoriality"، Journal of Environmental Psychology، Vol. 13 No. 1
13. Crowe، T (2000)، Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts، Butterworth، Heinemann، Oxford
14. Kelly، Eric، Damian، Crabtree، Dain (2009)، Securing The Built Environment: An Analysis Crime Prevention Through Environmental Design، Ball State University، Muncie، Indiana.
15. Lyon، David، (2007)، Surveillance، Security and Social Sorting Emerging Research Priorities، International Criminal Justice Review September vol. 17 no. 3 161-17.
16. Minnery، John، Lim، Bill، (2005)، Measuring Crime Prevention Through Environmental Design، Jurnal of Architectural And Plannig Research، vol. 330
17. P. COZENS and et.al، (2005)، CRIME PREVENTION THROUGH ENVIRONMENTAL DESIGN IN WESTERN AUSTRALIA: PLANNINGFOR SUSTAINABLE URBAN FUTURES، Department of Urban and Regional Planning، Curtin University of Technology، Western Australia.
18. Reynald، Danielle M.، Elffers، Henk، (2009)، The Future of Newman's Defensible Space Theory Linking Defensible Space and the Routine Activities of Place، European Journal of Criminology January vol. 6 no. 125.
19. Rothrock، Sara E، (2010)، Antiterrorism design and public safety: reconciling CPTED with the post، Massachusetts Institute of Technology. Dept. of Urban Studies and Planning.
20. Un-habitat، (2007)، enhancing urban safety and security : global report on human settlement 2007، Nairobi، Kenya.